

با گلای نور صافی، نماینده مجلس افغانستان در روز منع خشونت علیه زنان

همه زن ها چشم های شربت گل را ندارند

بر اساس قانون اساسی ۲۵ درصد از نمایندگان مجلس افغانستان باید زن باشند



عکس Gettyimages

ایمان پاکبند | دو خط مورب، احمر، میان دو چشم قهوه‌ای و خال هندو بر گونه راست در صورت «داکتر گلای نور صافی» است. زنی زاده کابل با نسب بلخی که هر روز رویه‌روی صدها مرد متعصب مجلس افغانستان می‌ایستد و بر حقوق زنان مامی فشار و آکنون که بر ف سفید از آسمان آبی می‌بارد، میهمان سردترین صبح تهران است. میان جمله‌هایش پر از کلمات خوش‌آوای فارسی است که دیری است از یاد ما رفته مثل وقتی که از «یکبارگی» استفاده می‌کند تا بگوید: «خشونت یکبارگی رخ نداده در افغانستان. حاصل سال‌ها هراس و زخم و جنگ و خون است.» مثل مولانا، شاعر بلخی که قرن‌ها پیش یکبارگی از عاقبت بریده بود.

«تولد شش‌هزار هشتاد و هشتاد و مدرسه و مکتب را در کابل خوانده‌ام. برای تحصیلات بالاتر به شهر کریمه شوروی سابق رفتم. مدت هفت سال و دوباره بر گشتم به افغانستان و در یکی از بیمارستان‌های چشم پزشکی افغانستان - نور - مصروف کار بودم. بعداً در جنگ‌های داخلی افغانستان مجبور به ترک وطن شدم و به جرمنی رفتم. بعد از این که حکومت طالبان سقوط کرد، دوباره برگشتم به شهر و در مرکز که به زن برای درمان صدمات روانی‌ای که در طول جنگ بر آنها وارد شده بود، کمک می‌کرد مشغول کار شدم. تا بالاخره در سال ۲۰۰۵ کانگدیدی پست نمایندگی مجلس شدم از ولایت بلخ». باشندده (شهروند) اصلی ولایت بلخ است. تمام نخب‌شان از ولایت بلخ بودند و او بعدها باشندده کابل شد. در سال ۲۰۰۵ نخستین بار به مجلس نمایندگان رفت تا امروز که دور دوم نمایندگی‌اش را تسیری می‌کند. نمایندده ولایت بلخ است در شمال افغانستان. به یاد می‌آورد موارد بسیاری از خشونت بر زنان و کودکان افغان را. اما زن‌های مجلس نمایندگان هنوز نتوانسته‌اند قانون منع خشونت را به تصویب نهایی برسانند. «بدترین کارمان در مجلس تاکنون این است.» گلای صافی اما خوشحال است از این که قانون منع آزار و اذیت خانم‌ها و اطفال را توانسته‌اند به تصویب مجلس نمایندگان برسانند: «یگانه دستاورد خوبمان این است.»

افغانستان از کشورهایی است که عضو کنوانسیون سیدالکنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان شده اما فضل خدا و فرمان رئیس‌جمهوری همچنان باقی است.

لطفاً بغال‌هیل برای حفظ جان زن

در شهر مزار شریف دفتر دارد. هیچ وقت فراموش نمی‌کند آن شب را که زن تلغز زده به دفترش: «می‌خواهند من و طفلم را بکشند.» شوهر این زن در زندان بود و پدر شوهرش تهدید کرده بود که عروس و بچه را می‌کشد. گلای ماجرا را دقیق به خاطر دارد: «در جای بسیاری نامتی از ولایت ما زندگی می‌کرد. شب‌هنگام زنگ زده بود. گفت پدر شوهرم امشب ما را می‌کشد. کوشش بسیار کردیم. آن وقت شب به آن منطقه رفتن نتوانستیم. به پلیس منطقه زنگ زدیم. آنها گفتند نیرو کم داریم و نمی‌توانیم کسی را به منطقه فرستیم.»

گلای نور صافی فکر بسیار کرد و این راه به ذهنش رسید: «اما مام فرم صحبت کردیم. گفتیم به پدر شوهر بگویید حکومت از تهدید او باخبر شده. ملای مجلس را وظیفه داد تا صبح در پدر شوهر باشد تا نتوانیم فردا آن زن را به خانه‌مان منتقل کنیم.»

صبح از پشت کوه‌های قریه برآمده بود که آمدند و زن را برداشتند و به خانه‌مان بردند. «دیر زمانی در خانه‌مان ماند تا خانواده‌اش از هم پاشید چون خانواده‌اش با مخالفان حکومت همکار بودند، همه به زندان افتادند و این زن دوباره خود را آزاد احساس کرد و به خانه خود بازگشت.»

می‌گوید مردم مدام با او در ارتباط هستند. «آقلاً با تلغز» آشوب خاطرات زن‌های افغانستان به ذهنش حمله می‌کنند و به زبان می‌آیند از تجاوز به زنی می‌گوید که «قریه‌های دور» که یکی از زورمندی‌های منطقه‌اش بود و تجاوز کرده بود. «به خانه‌امی در کابل آمده بود. عامل تجاوز یکی از زورمندی‌های منطقه بود. آن خانم فعلاً در یکی از خانه‌های امن شهر کابل است. به خاطر دوری راه به خانه خود رفتن نمی‌تواند. چون ممکن است زورمندی‌ها دوباره به او تجاوز کنند.»

چند سال دارد؟

۱۸ ساله است. نو به هجده رسیده. حتی نتوانستم در مزار شریف بنگه‌اش خرابم. او دردمش به کابل.

چشم‌های شربت گل

پیش از آن که جنگنده‌های شوروی در بمباران سال ۱۹۸۴ پدر و مادر شربت گل را بکشند، هیچ کس از صاحب‌نگران‌ترین چشم‌های جهان باخبر نبود. استیو مک کوری، عکاس نیشنال جئوگرافیک، زمانی از او عکس گرفت که در ۱۲ سالگی به ناصر باغ پاکستان گرخته بود. عکس او در آردگاه پناهندگان روی جلد نیشنال جئوگرافیک رفت تا لقب «مونالیزای جهان سوم» را بگیرد. در ۱۹۹۲ بسار حمت از دواج کرد به روستایی در دوره‌دست افغانستان بازگشت. شربت گل چهار دختر آورد: روبینا، زاهده و عالیه و دختر چهارم نوزاد بود که مُرد. مک کوری عکاس در ۲۰۰۲ دوباره شربت گل را پیدا کرد و از او عکس گرفت. چشم‌ها همان چشم‌ها بودند: نگران و غلطان در ژرفای صورت. صورتی که زخم‌های ۱۷ سال در به‌دوری داشت. قصه «دختر افغان» هنوز تمام نشده بود. یک ماه پیش او را در پاکستان به جرم جعل کارت هویت پاکستانی بازداشت کردند. ۱۵ روز به زندان انداختند و او را پاکستان اخراجش کردند. سازمان عفو بین‌الملل و دیگر سازمان‌های حقوق بشری به اخراج او و اکمل نشان دادند تا این که بلافاصله پس از بازگشت به افغانستان، شربت گل را به کاخ ریاست‌جمهوری بردند. جایی که اشراف غنی و همسرش، بلوئی اول افغانستان، طی تشریفاتی از او استقبال کردند و کلید خانه‌ای را در دستان او گذاشتند. «رئیس‌جمهوری افغانستان به شربت گل وعده داد که برای آموزش فرزندان و برای درمان او توجه خاصی خواهد کرد.»

گلای نور صافی ماجرای شربت گل را خوب به خاطر دارد. اما «مثل شربت گل صدها و هزارها زن داریم که به همین مصیبت دچار هستند. شربت گل با فتوی بود که از او چاپ شد، توجه جهان را به خود جلب کرد. وقتی رئیس‌جمهوری به مشکل او رسیدگی می‌کند بسیار خوب است. افکار این زن شربت گل نبود شاید ما هیچ خبر نمی‌شدیم که این خانم در زندان است.»

خانم‌هایی که شخصیت معروف جهانی شده بود، افلاً از او دفاع شد. این کار دیگران را هم جرات می‌دهد که در بعضی مسائل حرف بزنند. چون شرط این نیست که همه چشم‌های شربت گل را داشته باشند. همه زن‌ها چشم‌های شربت گل را ندارند. استعدادهای دیگری دارند که تبارز بدهند تا بتوانند مثل شربت گل مورد حمایت و پشتیبانی قرار بگیرند.»



کتابی نور صافی، نماینده مجلس افغانستان

نور صافی معتقد است که اشراف غنی کار نمادین خوبی کرده چون «به خانم‌های دیگر پیام می‌رسد که می‌توانند کسی را به‌عنوان پشتیبان داشته باشند که از حقوقشان دفاع کند. دیگر خانم‌ها هم برای خود شخصیت قایل می‌شوند و می‌گویند ببینید: یکی از درمان او توجه خاصی خواهد کرد.»

پناهنده‌ها را دسته جمعی برنگردانید
بخار چای روی میز لابی هتل چرخ می‌خورد و بالا می‌رود. سخن به پناهنده‌ها می‌رسد. گلای دل بری دارد از این موضوع: «پیش از سی سال است که افغان‌ها به شکلی از اشکال در تمام دنیا پناهنده هستند؛ در

برگردانده شوند. مثلاً پاکستان این تصمیم را گرفته که دسته‌جمعی افغان‌ها را برنگرداند. این عملی غیرمعمول است.»

هراس از عساکر بین‌الملل؟

• امروزه اگر مردم افغانستان در خیابان سربازی خارجی مجهز به همه ادوات نظامی ببینند می‌ترسند یا احساس امنیت می‌کند؟

افغان‌ها مردم بسیار آزادمندی هستند. هیچ وقت در طول تاریخ طرفدار این نبوده‌ام که کشور اجنبی بر افغانستان حکومت کند یا در آن حضور داشته باشد. اما شرایط فعلی افغانستان با کلک متفاوت است. وقتی عساکر بین‌المللی به افغانستان آمدند، افغانستان واقعاً در حالت عجیبی بود. تروریسم تهدید مستقیم داشت. وقتی قبل از طالب‌ها روسیه از افغانستان برآمد، اینها بین خود به هم چسبیدند و کابل تقریباً هشتاد فی‌صد ویران شد. این ترسی است که هنوز بین مردم موجود است و هنوز هم از این می‌ترسند که خدای ناخواسته سال‌های هفتاد که سال‌های برآمدن روس‌ها بود، دوباره تکرار شود. یگانه منزله‌ای که مردم به آن خوش بودند و هستند که عساکر غربی و آمریکایی در افغانستان باشند این است. و حال هم با وجودی که افغانستان پلیس به پنجاه‌هزار می‌رسد هنوز هم تهدیدهای بسیار عمده است در بعضی جاها که در خواست کمک از عساکر خارجی می‌کنند. نیاز است به دو دلیل: اول این که افغانستان از مصونیت خود مطمئن نیست، دوم، هراس از تجربه تلخ سال‌های هفتاد و حمله روسیه.

مردم به دیدن عساکر خارجی و افغانستانی مجهز، عادت دارند. چون مستقیماً تهدیدی از طرف اینها در شهرها دیده نشده. مردم بی‌تفاوت شده‌اند. اما به خاطر وحشت از تروریسم و دشمنان مردم، ترجیح می‌دهند عساکر بین‌الملل باشند تا تروریسم. هیچ نیست که ختم‌شود این هراس و ظلم.

حضور فیزیکی زن هادر مجلس

۲۵ درصد نمایندگان مجلس افغانستان باید زن باشند و این قانون اساسی «گنجینه گشته» یعنی از ۲۴۹ نماینده، ۶۲ نفر باید زن باشند. «خوبی این است که مردم به حضور زن در جامعه آهسته آهسته عادت می‌کنند. جامعه به این اعتقاد می‌یابد که تصمیم‌گیری‌ها در سیستم دولتی با حضور خانم‌ها باشد.»

شال سرخ را روی سرش جلو می‌کشد. جره آخر چای را می‌نوشد و درباره‌ی زن‌های مجلس حرف می‌زند: «بدبختی است که بعضی زن‌هایی که راه پیدا می‌کنند معنی واقعی موضوع را برآورده نمی‌کنند. آنها فقط از سیستم استفاده می‌کنند. از قانون استفاده می‌کنند تا بیایند مجلس. درنکات است. من خودم انتقاد پذیر هستم و می‌فهمم که حضور ما حضور فیزیکی است. مخصوصاً از نظر معنوی کمبودها احساس می‌شود. کمبود از این نظر که کاری که باید اجرا کنیم، اجرا نمی‌شود. وقتی اجرا شود، انتقاد مردم بی‌جای باشد که بعضاً شکل سبیلک به خودش می‌گیرد.»

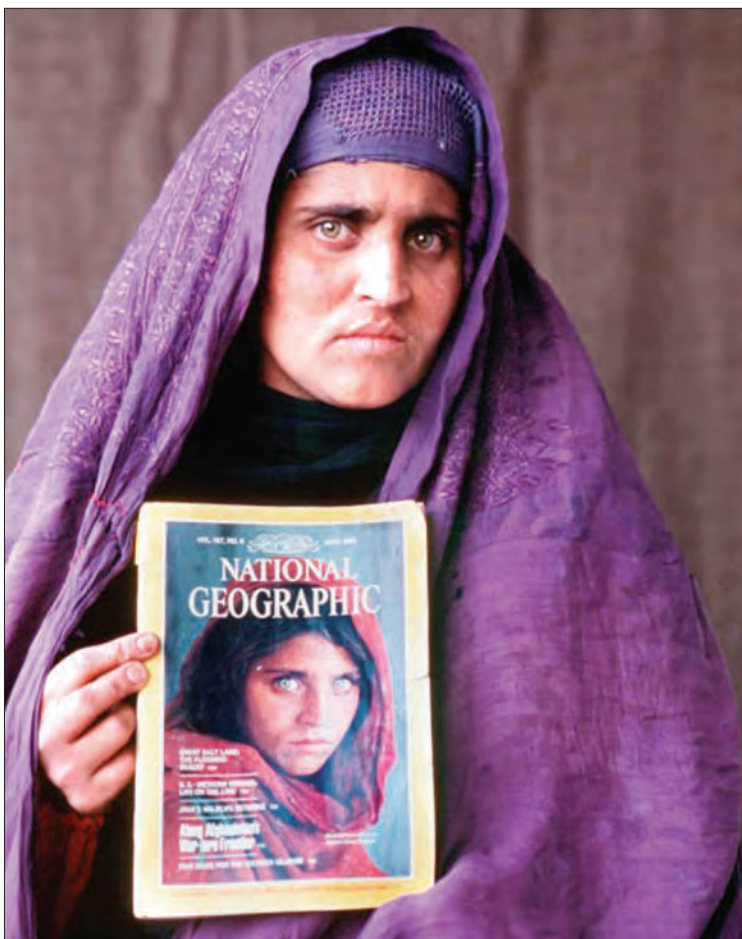
بلخ در از دواج پطغان استثنائیت

ولایت بلخ از مناطق آرام افغانستان است. اما گلای نور صافی معتقد است «وضع امنیتی بلخ هم این‌ها را در دارد کم‌خواب‌تر می‌شود. به‌صورت جمعی افغانستان هم‌هاش دچار مشکل امنیتی است. مشکل بسیار عمده در کل مملکت. تا وقتی این مشکل وجود دارد، ترقی درست کردن نتوانیم. به خانم‌هایی که قصد کار با تحصیل دارند، رسیدگی نمی‌شود. کسی خود را مسئول نمی‌داند. در خانه می‌ماند. در قسمت زن‌ها خشونت وجود دارد همچنان. طفل‌ها در سن خرد ازدواج داده می‌شوند. که این مشکلات عمده مملکت به‌صورت عموم به‌طور خصوص بلخ است. هر چند بلخ استثنائیت. مشکل امنیت مردم را رنج می‌دهد. این است که اطمینان مردم به آینده کم‌رنگ می‌شود.

وقت سفر به مشهد رسیده است. باید به مهرآباد بروند. می‌خواهند به زنان افغان ساکن مشهد از قانون منع خشونت علیه زنان بگویند و بیاموزند. گلای عینکش را برمی‌دارد و شیشه‌اش را پاک می‌کند.

هنوز هم چشم‌پزشک هستید یا کنار گذاشته‌اید؟

از ۲۰۰۵ به چشم‌پزشکی ادامه نمی‌دهم. هنوز هم وقتی موکلین (مردم) پیش من می‌آیند علاوه بر مشکلات عادی، مشکلات پزشکی هم مطرح می‌کنند. می‌خواهم به طبیب دیگری معرفی‌شان می‌کنم.



عکس Gettyimages

معضل خشونت علیه زنان در افغانستان

می‌شود، خشونت‌های فیزیکی و جسمی تشکیل می‌دهد. بالغ بر ۴۱۲ مورد دیگر نیز که حدود ۵۸ درصد کل موارد خشونت علیه زنان در این مدت را تشکیل می‌دهد، شامل انواع خشونت‌های جنسی بوده و ۱۴۸۲ مورد دیگر نیز که حدود ۴۰ درصد کل موارد خشونت علیه زنان است، شامل خشونت‌های لفظی و روانی است. همچنین ۱۰۲۴ مورد که شامل ۲۱ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می‌شود، خشونت‌های اقتصادی است. بقیه ۴۸۷ مورد دیگر که ۱۰ درصد مجموع موارد را تشکیل می‌دهد، مشتمل بر سایر انواع خشونت علیه زنان است.

خشونت فیزیکی و جسمی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. قضایای خشونت علیه زنان نشان می‌دهد که در بسیاری موارد این خشونت‌ها بسیار شدید و مسخ‌تر بر زنان اعمال می‌شود. آمار خشونت‌های جسمی نشان می‌دهد که از مجموع ۱۴۶۸ مورد خشونت جسمی و فیزیکی، بیشترین موارد آن شامل لت و کوب به اشکال مختلف است که بالغ بر ۱۲۹۰ مورد است. این رقم حدود ۸۸ درصد موارد خشونت‌های جسمی و فیزیکی علیه زنان را شامل می‌شود.

بالغ بر ۸۷ مورد دیگر این قضایا مجرد و حیات است. ۲۸ مورد نیز کار اجباری گزارش شده و ۱۹ مورد خشونت منجر به قتل شده است. آتش‌زدن مورد دیگری از خشونت‌های جسمی است که ۱۳ مورد را شامل می‌شود. در ۱۱ مورد دیگر قطع اعضای بدن قربانی صورت گرفته است.

یکی از انواع تکان‌دهنده خشونت جسمی که منجر به قتل زنان می‌شود، قتل ناموسی است که تا توجیهات حیثیتی ناموسی اتفاق می‌افتد. در جریان تحقیق ملی که کمسیون در این زمینه انجام داد،

خشونت علیه زنان از جدی‌ترین معضلات حقوق بشر در افغانستان است. این خشونت‌ها به اشکال مختلف علیه زنان اعمال می‌شود که گاه شکل بسیار خشن و وحشیانه می‌گیرد. این نوع خشونت که در بانک اطلاعات کمسیون ثبت شده است، شامل انواع خشونت‌های جسمی، جنسی، اقتصادی، لفظی و روانی و خشونت‌هایی که به نحوی از انحایع رفتار ناپاوارده می‌شود.

در طول سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۲۰۲۶ شاکی خشونت علیه زنان به دفاتر کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مراجعه کرده و قضایایشان را به ثبت رسانده‌اند. در سال ۱۳۹۲ تعداد شاکیان خشونت علیه زنان که به دفاتر کمسیون مراجعه کرده بودند، به ۲۱۵۹ نفر و در سال ۱۳۹۱ به ۱۷۵۰ مورد رسید. بنابراین، تعداد شاکیان خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال خورشیدی ۱۳۹۲ حدود ۲۶ درصد کاهش و نسبت به سال ۱۳۹۱ حدود ۸۱٫۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

اما مجموع آمار انواع خشونت علیه زنان که از قضایای ثبت‌شده شاکیان خشونت علیه زنان در طول سال ۲۰۱۴ به دست آمده است، به ۴۸۷۳ مورد می‌رسد. این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۶۶۱۱ و در سال ۱۳۹۱ به ۵۷۰۱ مورد رسید. کاهش این رقم در سال تحت پوشش این گزارش، چنانچه در بالا هم ذکر شده، ناشی از تغییر ساختار فرم ثبت قضایای خشونت علیه زنان در کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است.

گسترده‌ترین و رایج‌ترین نوع خشونت علیه زنان خشونت فیزیکی و جسمی، به‌خصوص لت و کوب است. از مجموع آمارهای ثبت‌شده خشونت علیه زنان در جریان سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۱۴۶۸ مورد آنها را که مشتمل بر ۱۰۳۰ درصد کل موارد ثبت‌شده خشونت علیه زنان